



۲۰۱۹/۰۸/۲۴

عارف عباسی

سرزمینی که پیهم در آن خون می جوشد!



عطش خشکیده شُدیار این دیار برای آشامیدن خون فرو نمی نشیند. در چهل و یک سال پارینه یک وجب خاک این سرزمین نیست که خونی انسانی در آن نه ریخته باشد. آیا کاتبی قلم برداشت و کاغذ گرفت که تعداد واقعی قربانیان سانحات جنایات وحشیانه هر دوره را شمرده و در قید قلم آورده باشد.

شرح جنایات کودتاچیان ۷ ثور و تجاوز وحشیانه بادر شان با مهیب ترین ساز و برگ هوایی و زمینی قربانیان این جنگ به قرار احصائی سال ۱۹۸۷ مؤسسه ملل متحد به ۱۸۰۰۰۰۰ تخمین گردیده، که باز هم تخمین است و نه رقم واقعی.

پرده ها بالا آمد و با طرح بیگانه بازی دوم روی صحنه پدیدار گشت و بازی گران این صحنه مردم خوش قلب، ساده دل و خوش باور وطن را چنین اغوا نمودند که آن ها فی سبیل الله مطابق احکام قرآن جهاد نموده و این وطن را از اسارت بیگانه رهانیده برای این سرزمین عدالت، رفاه، سعادت، آرامش و استقلال می آورند و چنین پنداری خلق کردند که ما ناجیان این میهنیم. و ما خوش باوران پیوسته برای پیروزی شان دعا کردیم و در تحکیم داعیه آزادی خواهی مبارزه کردیم، ولی با کمال تأسف که ما همه به خطاه رفته بودیم و بار دیگر توسط حلقات دیگری فریب داده شده و توقعات ما غلط از آب درآمد، این هایی که رهبران تنظیم ها گفته می شدند و تا امروز چنگال های خون آلود شان دور گردن ملت است خود گروه مزدور خود فروخته بی ایمان، بی همت و فاقد شهامت و غیرت ملی و زر اندوز و قدرت طلب بوده بالای احساسات آزادی خواهی و خون ملیون ها فرزند این سرزمین در جوش مبارزات معاملات ننگین نموده و مساعی شان در رسیدن خودشان، حزب شان و قوم شان به قدرت مسیر یافته بود، و چون گرگان تشنه به خون با توطئه و دسیسه طرح های صلح و اسقرار و ثبات مملکت را در هم شکستند و با جنایت کاران قبل از خود از در مصلحت و سازش پیش آمده در برابر هم دیگر صف آرای می نمودند بی دریغ کشتند و خون ۶۵۰۰۰ بی گناه ریخته ننگین ترین اعمال را در برابر ناموس مردم مرتکب شدند و شهر کابل که از گزند حوادث مصون مانده بود به خاکدان و ویرانه تبدیل کردند. یک دور وحشت، بربریت، ملوک الطوائفی و انار شیزم متداول شد.

این گروه جنایت پیشه جهاد را وسیله قرار داده وثیقه ملکیت این وطن در جیب واسکت ماندند که تا امروز به حیث قبالة شرعی مدار اعتبار است.

این دو دور منحوس و ملعون یکی زیر شعار تأمین عدالت اجتماعی و حاکمیت پرولیتاریا (که وجود نداشت) و دیگری تحت شعار دین، جهاد و الله اکبر و تعهد ایجاد رفاه، سعادت و تأمین عدالت بر بنیاد شریعت غراء محمدی با رهبری متناوب جنایاتی را مرتکب شدند که در تاریخ کم نظیر و بی سابقه بوده و قربانیانی به جا گذاشتند که اجسادشان را حیوانات وحشی خوردند، و نه کفن یافتند و نه گوری و با محاصره قراء و قصبات به هزارانی را در دریا ها غرق ویا درگودال ها پرتاب و بر سرشان با بلدوزر ها خاک کشانیدند.

کدام مرجع توانست که این سانحات و جنایات را به چشم سر ببیند و به حیث سند تاریخی آن را بنگارد و از آن عکسی بردارد و یا فلمی تهیه نماید و بطور اجمال در قطار فصل جنایات جنگی گنجانیده شد و به فراموشی سپرده شد. تند باد های زمان فغان ها، فریاد ها، چیغ و ناله های مادران، پدران بیوه زنان و یتیمان را با خود برد و رفتگان شان در فهرست تخمین احصائیه گیران و کتاب نویسان گنجانیده شد. ولی هزاران افسانه وحشت و بربریت و ریختن خون در این وطن ناگفته و پوشیده ماند.

طالبان با قرار داشتن در سیه چاه جهالت و تدریس غلط دین مبین اسلام توسط مدرسین پاکستانی و تزریق افکار جهاد به حیث وسیله راه یابی به بهشت توسط برنامه خاص استخبارات پاکستان با روش های منحنط و سیاست های قرون وسطایی داستان های خون و آتش، زمین سوزی و ویرانی و کشتار های دسته جمعی خود را توأم با آویختن حلقه غلامی پاکستان در گردن افغانستان دارند.

بعد از سال ۲۰۰۲ امریکا پای ملت افغانستان را در جنگی کشانید که از محرک واقعی، مراجع اصلی، تمویل کننده، تنظیم کننده سوق و اداره و تسلیح کننده آن آگهی مطلق داشت. پناه گاه های مصون قوت های جنگنده و شمول علنی شبیح نظامیان پاکستانی در این جنگ و نیرنگ های دو پهلوئی پاکستان به حیث عامل شکست، علی الرغم درک این همه واقعیت ها در نبود نبود بُرد در جنگ مقامات امریکایی با لجاجت خاص، خود فریبی و چشم پوشی از واقعیت بدون توجه به عامل اصلی با تلفات و ضایعات بزرگ مالی این جنگ را ادامه دادند، این که چرا امریکا با پاکستان با تمام قدرت نظامی و اقتصادی اش برخورد قاطع و جدی نکرد یکی از جهات اسرار آمیز این جنگ است.

تا بالاخره حکومت فعلی به شکست نی بلکه به عدم موفقیت در این جنگ اعتراف نموده راه مرموز صلح را در پیش گرفتند. ملت افغانستان به اساس اسناد و شواهد واقعی می دانست که طالبان پرورده دامن مؤسسات نظامی، استخباراتی و تند رو دینی پاکستان اند ولی امریکا صدای شان نه شنید و در این هژده سال این ملت متحمل تلفات بزرگ جانی و خسارات بی حد مالی شده اند که ناشی از حملات هر دو جناح جنگ بوده و بدون مبالغه بیش از پنج صد هزار افغان نظامی و غیر نظامی جان باخته اند

در حملات گروهی و عملیات انتحاری طالبان قربانیان افغان شامل هر قشر و هر جنس به هر سن و سال و هر قوم بوده است. دریغا، دردا و حسرت! که سانحه بی حد الم ناک، استخوان سوز و دل پاره کن عمل انتحاری در محفل شب حنای هم وطن هزاره ما صورت گرفت. به نام خدا که شنیدن و مشاهده تصاویر و ویدیو های این صحنه دل خراش، تکان دهنده قلب من و اعضای خانوارم را جریحه دار ساخت، همه بی اختیار گریستیم و مخصوصاً نواسه ام با احساسات رقیق رؤوفش نوحه می کرد و می گفت چرا؟

من در هیچ قاموسی کلمه نیافتم که چنین جنابیتی را افاده کند. انسان های بی گناه و بی خبر از سرنوشت با تمام رنج ها و درد های زندگی می خواهند شبی را فارغ از درد ها بگذرانند و در محفل خوشی و سرور دوست و قریب خود شرکت نموده با موسیقی پا بکوبند و شادمانی کنند و خود و غم های روزگار را برای چند ساعتی به فراموشی بسپارند، ولی غافل از این که هیولای وحشتناک و خون آشام مرگ در قیافه یک انسان در کمین بوده داخل محفل می شود، خود مردار نموده و ۹۳ انسان بی گناه به شمول طفل، جوان، پیرزن، پیر مرد را در جوش خوشی و سرور به دیار عدم می فرستد و در حدود ۲۰۰ نفر را زخمی می سازد، شما خود قوت این مواد منفجره را حدس بزنید، و این جشن سرور را در یک لمحہ به جویبار خون و ماتم سرا تبدیل کرده همه جا را خون می گیرد و لباس های تمیز و مفشن آلوده به خون می گردد و در دست عروس عوض حنا لکه های خون جا می گیرد و ساز و آواز جای خود به چیغ، فریاد، ناله می دهد و دیگرانی غلطیده در خون به خموشی با زمزمه نام الله برای ابد چشم می بندند. آنانی که جان به سلامت برده اند میان افتادگان عزیزان خود می پالند. و اوایلا، این چه سانحه دهشناکی و چه محشری بوده که تصورش از دیده به جای اشک خون می ریزاند. و در این جاست که صبر و تحمل انسان به آزمون کشانده می شود و نیروی اتکاء معنوی و قدرت عقیدتی است که در چنین درد ناک ترین و غم انگیز ترین لحظات توان صبر و شکیبایی می بخشد ولی از دست دادن چندین عضو خانواده، عزیزان، جوانان و اطفال توتہ های جگر اندوهی نیست که به زودی از یاد برود و سایه چنین غمی تا ابد انسان را دنبال می کند.

آری! چنین سانحات در بسی نقاط مملکت رخ داده، ولی هدف قرار دادن یک قوم به خاطر عقیده دینی و مذهبش هیچ نوع توجیه انسانی، دینی و مکتبی ندارد.

قوم متحمل، بردبار، پرکار، با شهامت و زحمت کش هزاره که در طول قرن ها با خشونت طبیعت رزمیده و در دشوار ترین شرائط اقلیمی زیسته به محض مساعدت شرائط استعداد، هوشیاری و فراست خود تبارز داده با زحمت، مساعی و عقلانیت در هر ساحه موفق بوده اند و این قومی است که در انکشاف اجتماعی و اقتصادی آینده وطن به حیث عضو فعال جامعه با اطمینان بر ایشان حساب نمود.

ما در این حادثه وحشیانه جنایت کاران نقاب پوش پهلوی خواهران و بردران هزاره خود ایستاده ایم و در این غم و ماتم با ایشان از اعماق قلب شریکیم.

عاملین مرموز این جنایات، که مبتکر عمل وحشیانه انتحار طالبان اند، بدانند که چنین جنایات مردم را از هم جدا نساخته بلکه باعث ایجاد پیوند قوی تر گردیده هزاره افغانستان با هوشیاری و فراست رمز این دسپیس را درک نموده از افغانستان سوریه ساخته نمی شود.

خواهر و برادر هزاره! من با شما ام در خوشی و غم تان شریکم ده سال با شما در باغ علیمردان همسایه بوده ام و با شما در غم و خوشی بالای سفره نشسته ام شما خواهر و برادر و هم وطن من استید. به روح پاک شهدای این سانحه غم انگیز دعا نموده برای شان بهشت برین استدعا دارم و از بارگاه خالق عالمیان برای بازماندگان صبر ایوبی می خواهم .

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

سرزمینی که پیهم در آن خون می جوشد
A_abssi_۲۸_sarzamine_k_dar_aan_khunmerezad.pdf